




The University of Tehran Press

Freedom of Muslim Women's Religious Clothing from the Perspective of International Law with Emphasis on ECHR Jurisprudence

Taha Mousavi Mirkalaei¹ | Mohammad Dehnavi² | Savalan Mohammadzadeh³

1. Assistant Prof., Department of International Law, Ershad-Damavand University, Tehran, Iran. Email: Taha_mo61@yahoo.com
2. Corresponding Author; MA. in (International Law), Faculty of Judicial Law, University of Judicial Sciences and Administrative Services, Tehran, Iran. Email: Mohammaddehnavi598@gmail.com
3. Researcher of The Human Rights and International Law Department of The Judiciary Research Institute, Tehran, Iran. Email: savalan.mohamadzadeh75@gmail.com

Article Info	Abstract
<p>Article Type: Research Article</p> <p>Pages: 1255-1278</p> <p>Received: 2021/10/16</p> <p>Received in Revised form: 2021/12/28</p> <p>Accepted: 2022/04/18</p> <p>Published online: 2024/06/21</p> <p>Keywords: <i>freedom to manifest religion, religious freedom, religious clothing, hijab, the european court of human rights.</i></p>	<p>Since in recent decades, some European countries have placed restrictions on Muslim women's clothing, it is necessary to explain the status of women's freedom of clothing in the context of international law. This study using the judgments of the European Court of Human Rights and international instruments and obligations in this field, tries to challenge the inconsistency of restrictions on the religious clothing of Muslim women and explain the need to ensure the right to freedom of religious clothing. The main question of the present paper is that the opposition to religious clothing and hijab of women in European countries is contrary to international law and human rights or not? This paper concludes with a descriptive-analytical method and library resources including the examination of existing instruments that the prohibition of religious clothing is a violation of human rights and their religious freedom, and such a prohibition is based more on political and social pressures than on solid legal principles.</p>
How To Cite	Mousavi Mirkalaei, Taha; Dehnavi, Mohammad; Mohammadzadeh, Savalan (2024). Freedom of Muslim Women's Religious Clothing from the Perspective of International Law with Emphasis on ECHR Jurisprudence. <i>Public Law Studies Quarterly</i> , 54 (2), 1255-1278. DOI: https://doi.com/10.22059/JPLSQ.2022.332417.2917
DOI	10.22059/JPLSQ.2022.332417.2917
Publisher	The University of Tehran Press. 



انتشارات دانشگاه تهران

فصلنامه مطالعات حقوق عمومی

شاپا الکترونیکی: ۸۱۳۹-۲۴۲۳

دوره ۵: شماره ۲

تابستان ۱۴۰۳

Homepage: <http://jplsq.ut.ac.ir>

آزادی پوشش مذهبی بانوان مسلمان از منظر حقوق بین الملل با تأکید بر آرای دیوان اروپایی حقوق بشر

طه موسوی میرکلایی^۱ | محمد دهنوی^۲ | ساوالان محمدزاده^۳

۱. استادیار، گروه حقوق بین الملل، مؤسسه آموزش عالی ارشاد دماوند، تهران، ایران. رایانامه: Taha_mo61@yahoo.com
۲. نویسنده مسئول؛ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق بین الملل، دانشکده حقوق قضایی، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران. رایانامه: Mohammaddehnavi598@gmail.com
۳. پژوهشگر گروه حقوق بشر و بین الملل پژوهشگاه قوه قضاییه، تهران، ایران. رایانامه: savalan.mohamadzadeh75@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: پژوهشی</p> <p>صفحات: ۱۲۷۸-۱۲۵۵</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۲۴</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۱۰/۰۷</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۲۹</p> <p>تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۳/۰۴/۰۱</p> <p>کلیدواژه‌ها: آزادی ابراز دین، آزادی دینی، پوشش مذهبی، حجاب، دیوان اروپایی حقوق بشر.</p>	<p>از آنجا که در دهه‌های اخیر برخی کشورهای اروپایی محدودیت‌هایی را برای پوشش بانوان مسلمان وضع کرده‌اند، از این رو تبیین وضعیت آزادی پوشش بانوان از منظر حقوق بین الملل ضروری است. این پژوهش سعی دارد با استفاده از آرای دیوان اروپایی حقوق بشر و اسناد و تعهدات بین المللی موجود در این زمینه، واژه محدودیت‌های ایجاد شده علیه پوشش مذهبی بانوان مسلمان را به چالش بکشد و لزوم تأمین حق آزادی پوشش مذهبی را تبیین سازد. پرسش اساسی مقاله حاضر آن است که آیا مخالفت با پوشش مذهبی و حجاب بانوان در کشورهای اروپایی مغایر با حقوق بین الملل و حقوق بشر است یا خیر؟ مقاله پیش‌رو با روش توصیفی - تحلیلی و ابزار کتابخانه‌ای شامل بررسی اسناد موجود، به این نتیجه نائل می‌آید که ممنوع دانستن پوشش مذهبی نقض حقوق بشر افراد و آزادی دینی آنان است و این ممنوعیت بیش از آنکه بر مبنای حقوقی محکمی استوار باشد، ریشه در فشارهای سیاسی و اجتماعی دارد.</p>
استناد	میرکلایی، طه موسوی؛ دهنوی، محمد؛ محمدزاده، ساوالان (۱۴۰۳). آزادی پوشش مذهبی بانوان مسلمان از منظر حقوق بین الملل با تأکید بر آرای دیوان اروپایی حقوق بشر. <i>مطالعات حقوق عمومی</i> ، ۵۴ (۲)، ۱۲۷۸-۱۲۵۵.
DOI	DOI: https://doi.com/10.22059/JPLSQ.2022.332417.2917
ناشر	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



۱. مقدمه

مطابق برخی اسناد بین‌المللی از جمله ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر^۱، ماده ۱۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^۲ و ماده ۹ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر^۳، هر کس حق دارد باورهای مذهبی مخصوص به خود داشته باشد و به تبع آن حق دارد عقاید مذهبی‌اش را به اشکال گوناگون ابراز دارد. شاید بتوان گفت آزادی مذهبی در آزادی ابراز عقاید مذهبی نمودار می‌شود، زیرا مرغ اندیشه آدمی، آزاد و رها و مصون از تعرضات دیگری است و تنها زمانی می‌توان بر آن دست یافت که ثمره آن در قالبی پدیدار شود. از همین روست که در اسناد یادشده نیز بلافاصله پس از حمایت از آزادی مذهب، آزادی ابراز عقاید مذهبی مورد حمایت قرار گرفته است. در این بین، یکی از اشکال ابراز عقیده مذهبی را می‌توان پوشش افراد دانست. بی‌تردید در بسیاری از موارد، آنچه افراد برای پوشیدن برمی‌گزینند، ریشه در باورهای مذهبی آنها دارد و یکی از بارزترین مثال‌های آن نیز، حجاب زنان مسلمان است.

در سوی دیگر، مخالفان نیز برای مخالفت خود به همین مواد استناد می‌کنند، آنگاه که موارد محدودیت آزادی مزبور را برمی‌شمارند. الزامات و واقعیت‌های جامعه بشری چنان است که بسیاری از حقوق و آزادی‌های مسلم افراد ضرورتاً می‌بایست تابع محدودیت‌هایی باشند. به همین منظور، ماده ۱۸ میثاق، در بند ۳ اشعار داشته است: «آزادی ابراز مذهب یا معتقدات را نمی‌توان تابع محدودیت‌هایی کرد مگر آنچه منحصراً به موجب قانون پیش‌بینی شده و برای حمایت از امنیت، نظم، سلامت یا اخلاق عمومی یا حقوق و آزادی‌های اساسی دیگران ضرورت داشته باشد». اما باید توجه داشت که کمیته حقوق بشر سازمان ملل تأکید می‌کند که محدودیت‌های در نظر گرفته‌شده در بند ۳ ماده ۱۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نباید دارای ماهیت تبعیض‌آمیز باشد و ضروری است که با هدفی که برای آن در نظر گرفته شده است، رابطه مستقیم و تناسب داشته باشد و نباید سبب تباهی حق آزادی دینی شود (شمسی، ۱۳۹۰: ۱۵۴).

مسئله پوشش، آزادی انتخاب و محدودیت‌های وارد بر آن، داستانی با ابعاد و جلوه‌های گوناگون است که اغلب یک قربانی بیشتر ندارد و آن هم آزادی زنان در تشخیص و ابراز عقاید مذهبی است. بر این اساس پرسش اساسی مقاله آن است که آیا مخالفت با پوشش مذهبی و حجاب بانوان در کشورهای اروپایی مغایر با حقوق بین‌الملل و حقوق بشر است یا خیر؟ مقاله پیش‌رو بر آن است تا ضمن بررسی آرای دیوان اروپایی حقوق بشر و با روشی توصیفی - تحلیلی و ابزار کتابخانه‌ای، به پرسش پیش‌گفته پاسخ گوید. در مقام بیان فرضیه پژوهش، به نظر می‌رسد که ممنوع دانستن پوشش مذهبی نقض حقوق

1. Universal Declaration of Human Rights, 1948, United Nations General Assembly.

2. International Covenant on Civil and Political Rights, 1966, United Nations General Assembly.

3. European Convention on Human Rights (ECHR). (formally the Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms), 1950, Council of Europe.

بشر افراد و آزادی دینی آنان است و این ممنوعیت بیش از آنکه بر مبانی حقوقی محکمی استوار باشد، ریشه در فشارهای سیاسی و اجتماعی دارد.

مروری بر ادبیات حقوقی به زبان فارسی بیانگر آن است که به‌طور اجمالی بررسی‌هایی در مورد آزادی مذهبی صورت گرفته است؛ اما برخلاف این مقاله، آثار مزبور به‌طور خاص و مفصل آزادی پوشش مذهبی در آرای دیوان اروپایی حقوق بشر را بررسی نکرده‌اند. برای نمونه مقامی و سادات مکی در مقاله «جلوه‌های حق بر آزادی ابراز مذهب در رویه نهادهای بین‌المللی حقوق بشر» (۱۳۹۷) تنها به جلوه‌های گوناگون آزادی ابراز مذهب، که حق استفاده از پوشش مذهبی یک نمونه از آن جلوه‌هاست، پرداخته‌اند. شمس‌ی نیز در مقاله «تعهدات حقوقی بین‌المللی اروپا در خصوص آزادی حجاب» (۱۳۹۰) به بررسی آزادی مذهبی در اسناد مختلف بین‌المللی و منطقه‌ای اکتفا کرده است. همچنین زمانی و حسینی آزاد در مقاله «تأملی در برخورد دیوان اروپایی حقوق بشر با ماده ۹ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بر پایه پرونده لایلا شاهین» (۱۳۹۳) صرفاً به بررسی پرونده لایلا شاهین علیه ترکیه در دیوان اروپایی حقوق بشر پرداخته و سایر آرای نهاد مزبور در خصوص آزادی پوشش مذهبی را مورد مذاقه قرار نداده‌اند. لذا موضوع مقاله پیش رو، واجد جنبه نوآورانه در ادبیات حقوقی فارسی در خصوص مسئله مورد بحث است.

پژوهش حاضر در دو بخش تنظیم شده است: در بخش نخست جایگاه آزادی پوشش مذهبی بانوان در نظام حقوق بین‌الملل تبیین می‌شود و در بخش دوم آرای دیوان اروپایی حقوق بشر در زمینه آزادی پوشش مذهبی، اعم از آرای لایلا شاهین، داهلاب، پرونده اس ای اس، ال مورسلی، کورتولموش، کوسه، دوغرو و کروانجی، ابراهیمیان، لاجیری، بلکامی و اوسار بررسی خواهند شد.

۲. آزادی پوشش مذهبی بانوان در نظام حقوق بین‌الملل

۲.۱. آزادی مذهبی در حقوق بین‌الملل

آزادی دین و مذهب از جمله اصولی است که به‌صراحت در حقوق بین‌المللی و نیز قوانین اساسی بسیاری از کشورهای جهان بر آن صحنه گذاشته است.^۱ آزادی مذهبی یکی از جنبه‌های خاص آزادی عقیده است که براساس آن افراد می‌توانند آزادانه تعلق یا عدم تعلق فکری خود را به مذهبی خاص اعلام کرده یا در انتخاب یا عدم انتخاب یک مذهب یا تغییر آن از آزادی لازم برخوردار باشند.

آنچه ادیان را از یکدیگر متمایز می‌سازد، باورها و رفتار مذهبی آنهاست. اگر در حمایت از آزادی مذهب، این تفاوت نادیده گرفته شود، در واقع، هویت و حق فردی افراد نادیده گرفته شده است. انتخاب

۱. برای اطلاع بیشتر ر.ک: گزارش «چارچوب مکاتبات» که از گزارش سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ کارشناس ویژه آزادی دین و عقیده سازمان ملل متحد اقتباس شده است.

و پذیرش یک دین و باور فلسفی از جنبه‌های مهم و برجسته هویت افراد است و تعلق فرد به گروه خاصی را نشان می‌دهد. در عین حال، آزادی مذهبی بخشی از ارتقای چندفرهنگی یک جامعه دموکراتیک به‌شمار می‌رود (استوارت میل، ۱۳۹۵: ۵۱).

برخی از اسناد بین‌المللی مستقیماً بر موضوع آزادی مذهبی اشاره و تأکید کرده و برخی دیگر از اسناد نیز به‌صورت غیرمستقیم از آزادی مذهب و ابراز آن حمایت کرده‌اند. از جمله این اسناد می‌توان به منشور ملل متحد^۱ (بند «ج» ماده ۱ و بند «ج» ماده ۵۵)، اعلامیه جهانی حقوق بشر (مواد ۲ و ۱۸)، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (مواد ۲، ۵، ۱۸، ۲۶ و ۲۷) و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (ماده ۹) اشاره کرد.

۲.۲. حق آزادی عقیده و ابراز آن

«آزادی عقیده» و «آزادی بیان» از حقوق اساسی و بنیادین بشر و در زمره حقوق مدنی و سیاسی و به اصطلاح نسل اول حقوق بشر به‌شمار می‌روند که در بسیاری از اسناد بین‌المللی جهانی و منطقه‌ای مورد تأکید و تصریح قرار گرفته‌اند. در برخی از اسناد حقوقی، آزادی «عقیده و بیان»، به شکل توأمان بیان شده و از آن به‌عنوان «یک حق» یاد می‌شود. برای مثال، در ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است:

هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آن است که از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن، با تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی، آزاد باشد.

این‌گونه حقوق از جمله «تعهدات به نتیجه» دولت‌هاست و دولت‌ها ملزم‌اند که بدون توجه به قید امکانات موجود یا شرایط و اوضاع و احوال حاکم بر جامعه، این حقوق را به‌طور مطلق اعمال کنند. اگر آزادی بیان از آزادی عقیده تفکیک شود و آزادی عقیده، بدون آزادی بیان، اثبات شود، این حق فاقد کمترین ارزش است و هیچ اثری بر آن مترتب نمی‌شود، زیرا عقیده‌ای که ابراز نشود و جزء مکنونات درونی انسان باقی بماند، قابل دسترسی دیگران نیست و بیم و نگرانی نسبت به آن معنی ندارد. چنانکه ماده ۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تصریح می‌کند، حق آزادی عقیده در زمره حقوق تعلیق‌ناپذیر است که حتی در شرایط جنگی و فورس مازور نیز به حال تعلیق در نمی‌آید و در هیچ شرایط و اوضاعی نباید نقض شود. برخی از اندیشمندان غربی نیز آزادی بیان و اندیشه و انتشار عقاید را چنان مقدس می‌دانند که اگر همه انسان‌ها یکسان بیندیشند و تنها یک نفر با نظر همه مخالف باشد، کار عموم در خاموش کردن اجباری آن یک تن به همان اندازه نارواست که اگر او قدرت داشت و نوع بشر را به زور خاموش می‌کرد (استوارت میل، ۱۳۹۵: ۵۰).

1. Charter of the United Nations, 1945

همان گونه که ذکر شد، آزادی مذهبی یکی از جنبه‌های خاص آزادی عقیده است و هر دین و مذهبی علاوه بر اندیشه و اعتقاد درونی خود، شامل برخی رفتارها و نمادهایی است که جنبه بیرونی داشته و در اجتماع نمود و ظهور خواهد داشت. حق آزادی دین و عقیده، بنابر حمایت استانداردهای بین‌المللی، در بردارنده حق اظهار دین به شیوه‌های مختلف از جمله پوشیدن لباس متمایز است. پوشش لباس و نمادهای مذهبی در مکان‌های عمومی همواره منشأ بحث و جدال‌های سیاسی و حقوقی در بسیاری از کشورهای جهان بوده است. هر چند پوشش زنان، سابقه تاریخی دارد و مربوط به اقوام و کشورهای مختلفی است، اما چند دهه‌ای است که به یکباره در کانون توجهات قرار گرفته است. اگرچه نمادهای مذهبی زیادی همچون عمامه سیک‌ها، عرق چین یهودیان و صلیب مسیحیان، بیندیف^۱ هندوان و جامه زعفرانی مخصوص بوداییان توجهات را به خود جلب می‌کند، بی‌تردید پوشش و حجاب زنان مسلمان مهم‌ترین نماد مذهبی است که بحث‌های فراوانی را در جهان غرب برانگیخته است (Barnett, 2004: 6)؛ به طوری که از سیزده پرونده مطرح در دیوان اروپایی حقوق بشر در زمینه استفاده از نمادهای دینی، ده مورد آن مربوط به پوشش زنان مسلمان است. (Rorive, 2009: 6). در همین زمینه و در ادامه، تمامی ده پرونده موجود نزد دیوان اروپایی حقوق بشر بررسی خواهند شد تا رویه و رویکرد این نهاد در قبال مسئله پوشش مذهبی و حجاب بانوان مسلمان مشخص شود.

۳. آزادی پوشش مذهبی در آرای دیوان اروپایی حقوق بشر

آزادی مذهبی در ماده ۹ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر که سند تأسیس دیوان اروپایی حقوق بشر است، منعکس شده است. ماده مزبور آزادی مذهب را به صراحت به رسمیت می‌شناسد و این آزادی را شامل ابراز عقیده و دین و همچنین انجام مناسک مربوط می‌داند. بند ۲ این ماده نیز تصریح می‌کند که این آزادی مطلق نیست و در شرایط خاصی می‌تواند محدود شود؛ اولاً، محدودیت اعمال شده باید قانونی باشد؛ ثانیاً، باید هدف مشروعی برای این محدودیت وجود داشته باشد که شامل امنیت، نظم و بهداشت عمومی و یا حفظ حقوق سایرین است و سوم اینکه محدودیت مذکور باید برای جامعه دموکراتیک ضروری تشخیص داده شود.

یکی از ویژگی‌های ماده ۹ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، تمایز بین دو جنبه از آزادی مذهب است. از یک سو، در بُعد داخلی آزادی مذهبی (جنبه فکری و اعتقادی دینی)، هیچ حد و محدودیتی برای داشتن یا نداشتن یک دین و همچنین حق تغییر دین قائل نشده و این آزادی را مطلق در نظر گرفته است. هیچ کس نمی‌تواند فردی را مجبور سازد که به یک دین خاص اعتقاد داشته باشد و یا دین خود را

۱. جواهر یا علامتی رنگی که زنان هندو به علامت تأهل میان ابروان خویش قرار می‌دهند.

تغییر دهد. از سوی دیگر، بُعد خارجی آزادی دینی است که به ظهور و بروز اعتقاد دینی در جامعه می‌پردازد و محدودیت‌هایی برای آن در نظر می‌گیرد (بند ۲ ماده ۹) (شمسی، ۱۳۹۰: ۱۵۸).

مطابق مفاد کنوانسیون اروپائی حقوق بشر، افراد می‌توانند شکایت فردی خود از نقض حقوق بشر علیه کشورهای عضو کنوانسیون را در دیوان اروپایی حقوق بشر مطرح سازند. این شکایات ابتدا از حیث اینکه قابلیت رسیدگی در دیوان را دارا هستند یا خیر، بررسی می‌شوند و در صورت قابلیت پذیرش، قضات دیوان با بررسی اظهارات طرفین دعوا (فرد شاکی و دولت متهم) به صدور حکم می‌پردازند.

در دیوان پرونده‌های مختلفی در خصوص نحوه پوشش در جوامع اروپایی مطرح شده است که در ذیل به آنها اشاره خواهد شد. مطالعه و بررسی پرونده‌های مزبور در این نهاد می‌تواند در شناخت هرچه بیشتر رویکرد دولت‌های اروپایی و دیوان در قبال مسئله پوشش و چگونگی تفسیر و بهره‌مندی از ماده ۹ کنوانسیون مفید باشد.

۱.۳. لیلیا شاهین علیه ترکیه^۱

این قضیه در مورد خانم لیلیا شاهین دانشجوی رشته پزشکی دانشگاه بورسا در سال‌های ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۷ و دانشگاه استانبول در سال‌های ۹۸-۱۹۹۷ است. خانم لیلیا شاهین در دوران دانشجویی خود در دانشگاه بورسا مسلمانی ملتزم به عقاید مسلمانی بود و پوشش اسلامی و روسری سر کردن را وظیفه دینی تلقی می‌کرد. در اوت ۱۹۹۷ برای ادامه تحصیل به دانشکده پزشکی دانشگاه استانبول منتقل می‌شود. در فوریه ۱۹۹۸، قائم‌مقام دانشگاه استانبول با صدور بخشنامه‌ای سر کردن روسری برای دانشجویان دختر و داشتن ریش برای دانشجویان پسر را برای حضور در کلاس‌ها، سخنرانی‌ها، سمینارها و جلسات امتحان منع کرد، اما بخشنامه مذکور هیچ دلیلی برای این ممنوعیت ذکر نمی‌کند.

در پس صدور این بخشنامه، خانم شاهین نتوانست در جلسات امتحان خود شرکت کند و با برداشتن حجاب خود برای ادامه تحصیل مخالفت کرد. خانم شاهین پس از پیگیری‌های قانونی مطابق قوانین داخلی ترکیه و پس از عدم موفقیت در این پیگیری‌ها، در نهایت دادخواستی را علیه ترکیه نزد دیوان اروپایی حقوق بشر ثبت کرد و از دیوان خواست تا به نقض ماده ۹ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در خصوص آزادی اندیشه، وجدان و مذهب در ترکیه رسیدگی کند.

خانم لیلیا شاهین مدعی بود که قواعد مربوط به حجاب اسلامی در مؤسسات آموزش عالی ترکیه، حقوق وی را بر اساس مواد ۹ (آزادی اندیشه، وجدان و مذهب)، ۸ (حق بر حریم خصوصی و زندگی خانوادگی)، ۱۰ (آزادی بیان) و ۱۴ (ممنوعیت تبعیض) کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و ماده ۲ پروتکل اول آن (حق بر آموزش) نقض کرده است (رهای، ۱۳۹۳: ۲۶۵).

1. Leyla Şahin v. Turkey

در مقابل، دولت ترکیه اولاً، منکر نقض حق بر آزادی خواهان شد و بر فرض نقض، آن را در چارچوب بند ۲ ماده ۹ کنوانسیون حقوق بشر اروپایی دانست. همچنین دولت ترکیه بیان کرد که در مورد پوشیدن حجاب اسلامی در اماکن همگانی یا خصوصی هیچ منعی وجود ندارد. در اماکن آموزشی دولتی که جزو اماکن خدمات عمومی محسوب می‌شوند، اصل سکولاریسم در کنار اصل بی‌طرفی اعمال می‌شود. افزون بر این حجاب اسلامی، نشانه‌ای برای حرکت‌های سیاسی بنیادگرای اسلامی در ترکیه و تهدیدی نسبت به حقوق زنان محسوب می‌شود (ECHR, 2004: 93).

دیوان در ارزیابی خود از این پرونده مقرر می‌سازد: در جوامع مردم‌سالار که ترکیب جمعیتی آن مرکب از پیروان به چند مذهب است، اعمال محدودیت بر آزادی ابراز مذهب و اعتقاد، به منظور آشتی میان منافع گروه‌های مختلف و تضمین احترام به عقاید افراد امری ضروری است (ECHR, 1993: 33). همچنین همان‌گونه که در دعوی رفاه آمده است، اصل سکولاریسم، از اصول بنیادین دولت ترکیه و سازگار با حاکمیت قانون و حقوق بشر است (ECHR, 2003: 93). در کشوری مانند ترکیه که بیشتر جمعیت آن یک دین دارند، اقداماتی که در دانشگاه‌ها برای ممانعت از بعضی حرکت‌های بنیادین دینی در اعمال فشار بر دانشجویانی که مقید به اجرای احکام دینی نیستند انجام می‌گیرد، می‌تواند بر اساس ماده ۹(۲) توجیه‌پذیر باشد. در این وضعیت، دانشگاه‌های سکولار می‌توانند قوانین محدودکننده‌ای در خصوص اماکن و نحوه این‌گونه ظواهر دینی، برای تضمین همزیستی مسالمت‌آمیز دانشجویان معتقد به ادیان گوناگون مقرر و به این روش از نظم عمومی و اعتقادات دیگران محافظت کنند (ECHR, 2004: 98).

با توجه به فرعی بودن سازوکار مربوط به کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، مقامات داخلی در تشخیص نیازها و شرایط محلی نسبت به دیوان مقدم‌اند و این مقامات داخلی هستند که ارزیابی اولیه ضرورت مداخله را انجام می‌دهند. بنابراین بر اساس رویه دیوان (ECHR, 1976: 48; ECHR, 2003: 101)، حاشیه صلاحیت^۱ به دست مقامات داخلی و ارزیابی تصمیم آنها بر اساس ضوابط کنوانسیون، با دیوان حقوق بشر اروپایی است و در تعیین حدود صلاحیت دولت در حاشیه صلاحیت، سه نکته یعنی ۱. اهمیت حق، ۲. ماهیت اقدامات محدودکننده و ۳. هدف از محدودیت‌ها بررسی می‌شود (ECHR, 2003: 101). ECHR, 1992: 76). علاوه بر این، دیوان در آرای دیگر خود در رابطه بین دولت و مذهب، ایجاد تعادل بین حقوق و آزادی‌های دیگران، پیشگیری از آشوب داخلی، نظم عمومی و پلورالیسم را مدنظر قرار داده است (ECHR, 1994: 55; ECHR, 1996: 44; ECHR, 1993: 31).

دیوان همچنین بیان می‌دارد به منظور احراز اینکه دو اصل سکولاریسم و برابری همسو و مکمل یکدیگرند، نظر دادگاه قانون اساسی ترکیه را می‌پذیرد، چراکه سکولاریسم ضامن ارزش‌های دموکراتیک

و موافق با ارزش‌های زیربنایی کنوانسیون است و افراد را در برابر اعمال فشار بیرونی حمایت می‌کند. حقوق زن و برابری جنسی در قانون اساسی ترکیه و رویه دیوان اروپایی جایگاهی کلیدی و بنیادی دارد (ECHR, 1985: 77; ECHR, 1993: 21-22; ECHR, 1994: 29; ECHR, 1997: 186; ECHR, 1998: 587).

دیوان این نکته را هم از دادگاه قانون اساسی ترکیه می‌پذیرد که هنگام بررسی حجاب در ترکیه، باید به اثر حجاب به‌عنوان یک واجب شرعی بر غیر محجبه‌ها توجه کرد. بنابراین موضوعاتی چون حقوق و آزادی‌های دیگران، حفظ نظم عمومی، در کشوری که بیشتر آن مسلمان هستند، حقوق زن و شیوه زندگی سکولار از مسائل مرتبط به اعتقادات اسلامی است. پس اعمال محدودیت بر این آزادی یک نیاز اجتماعی برای دست یافتن به دو هدف مشروع پیش‌گفته است. به‌خصوص اینکه این نمود مذهبی اثر سیاسی نیز دارد و نهضت‌های بنیادگرای اسلامی در تحمیل نمودهای مذهبی بر کل جامعه و ایجاد جامعه مذهبی تلاش می‌کنند. هر کشوری می‌تواند علیه این نهضت‌ها، بر اساس پیشینه تاریخی خود، موضعی اتخاذ کند (ECHR, 2003: 124).

دیوان اروپایی اقدام دانشگاه استانبول را موجه و متناسب با اهداف پیش‌گفته می‌داند، در حدی که می‌توان آن را به‌عنوان «ضرورت یک جامعه مردم‌سالار» توصیف کرد. در نتیجه از طریق اعمال این محدودیت، ماده ۹ کنوانسیون نقض نشده است. از نظر دیوان، خواهان در مورد نقض مواد ۸، ۱۰، ۱۴ کنوانسیون و ۲ (۱) پروتکل اول دلایلی غیر از آنچه در ماده ۹ مطرح شد، ارائه کرده است و به این سبب نقضی نسبت به مواد پیش‌گفته احراز نشد. در نهایت، شعبه بدوی دیوان اروپایی حقوق بشر به اجماع دعوی خواهان را مردود اعلام می‌کند (ECHR, 2004: 112-117). خواهان در نهایت بر اساس ماده ۴۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، در ۲۷ سپتامبر ۲۰۰۴ تقاضا کرد پرونده در شعبه عالی دیوان بررسی شود. شعبه عالی نیز با همان استدلال‌ها، نظر شعبه بدوی دیوان را در مورد عدم نقض ماده ۹ کنوانسیون تأیید کرد (ECHR, 2005: 123).

۲.۳. داهلاب علیه سوئیس^۱

در این پرونده، خانم لوسیا داهلاب به‌عنوان تبعه دولت سوئیس که در این کشور به تدریس در مدرسه ابتدائی اشتغال داشت علیه دولت سوئیس طرح دعوا کرد. مطابق شواهد و مدارک، شاکی (متولد ۱۹۶۵) از سپتامبر ۱۹۹۰ به‌عنوان یک معلم آغاز به کار کرد. در مارس ۱۹۹۱، خانم داهلاب از مذهب کاتولیک دست کشید و به اسلام گروید و از پایان سال تحصیلی ۱۹۹۰-۱۹۹۱ شروع به پوشیدن حجاب کرد. از دیدگاه او، این نوع پوشش مبتنی بر دستورهای قرآن بود. این وضعیت، بی‌هیچ مشکلی تا چند سال ادامه

1. Dahlab v. Switzerland

یافت، اما در نهایت در ۲۷ ژوئن ۱۹۹۶، جلسه‌ای با حضور خانم داهلاب، مدیر کل آموزش ابتدایی و رئیس دیپارتمان آموزش پرسنل، در مورد مسئله پوشش شاکلی برگزار شد و پیرو آن مدیر کل آموزش ابتدایی طی نامه‌ای از خانم داهلاب خواست که پوشیدن حجاب را در هنگام انجام وظایف حرفه‌ای‌اش (تدریس) متوقف کند، زیرا چنین رفتاری مغایر بخش ۶ قانون آموزش عمومی است.

پس از طی مراحل دادرسی داخلی و عدم پذیرش ادله متعدد خانم داهلاب توسط دادگاه فدرال سوئیس، ایشان شکایت خود را نزد دیوان اروپایی حقوق بشر طرح کردند. خانم داهلاب در این پرونده ادعا می‌کند که اقداماتی که تاکنون در راستای محروم کردن وی از پوشیدن حجاب هنگام اجرای وظایف تدریسش صورت گرفته، ناقض حق آزادی مذهبی وی - که در ماده ۹ کنوانسیون حمایت‌شده - است. وی در اظهارات خود بیان کرد که دولت سوئیس در پذیرش اینکه اقدامات یادشده دارای مبنای قانونی است و اینکه حجاب وی تهدیدی علیه امنیت و نظم عمومی محسوب می‌شود، به خطا رفته است. همچنین این نکته را مدنظر قرار داد که این مسئله که محجبه است، سال‌ها بدون توجه باقی مانده و این امر بیانگر آن است که این کار اختلال و اغتشاشی در مدرسه ایجاد نکرده است.

دولت سوئیس نیز در مقام دفاع اظهار کرد که اقدامات محدودکننده‌ای که علیه شاکلی، به‌عنوان معلم مدرسه دولتی، به‌کار گرفته است، نمی‌تواند دخالت در حق آزادی مذهبی وی تلقی شود. این یک اصل است که مدارس دولتی بی‌طرف باشند و در آنها اصل سکولاریسم رعایت شود و خانم داهلاب هنگام انعقاد قرارداد دائمی استخدام نسبت به این مسائل توجه شده و پذیرفته است که در نهادی با چنین مشخصاتی به کار مشغول شود (ECHR, 2001: 8). حال آنکه وی در آن زمان، پیرو مذهب کاتولیک بوده و عقاید مذهبی خود را با نشانه‌های آشکار بیان نمی‌کرده است و مدتی پس از استخدام تصمیم گرفته با حجاب در محل کار حاضر شود.

پس از بررسی اظهارات طرفین، دیوان به بیان نظرهای خود پرداخت. نخست، دیوان ماده ۹ کنوانسیون را یکی از ضرورت‌های جامعه دموکراتیک دانست. در چنین جامعه‌ای، که طبعاً مذاهب گوناگون در کنار یکدیگر وجود دارند، اعمال برخی محدودیت‌ها بر آزادی مذهبی افراد ضروری به نظر می‌رسد. این محدودیت‌ها به‌منظور هماهنگ کردن منافع گروه‌های گوناگون و تضمین اینکه عقاید هر فرد مورد احترام است، اعمال می‌شوند، اما بی‌شک باید مبتنی بر قانون باشند. شاکلی در این پرونده ادعا کرده که اقدامات صورت گرفته، قانونی نبوده است. دیوان در این زمینه نظر خود را نسبت به عبارت «مقرر در قانون» که در متن بند ۲ ماده ۹ آمده است چنین بیان کرد: «نخست اینکه، قانون باید به شیوه‌ای در دسترس باشد و دوم اینکه یک هنجار نمی‌تواند به‌عنوان قانون در نظر گرفته شود مگر اینکه با دقت کافی تدوین شده باشد تا شهروندان قادر باشند رفتار خود را با آن منطبق سازند. یک شهروند باید

بتواند - تا حدی که در شرایط موجود منطقی به نظر برسد- نتایج کار خود را پیش‌بینی کند.» با در نظر گرفتن شرایط و بررسی استدلال‌های دادگاه فدرال سوئیس در این زمینه، دیوان به این نتیجه رسید که بخش ۶ و ۱۲۰ قانون آموزش عمومی کانتون ژنو مصوب نوامبر ۱۹۴۰، برای آگاهی افراد و امکان تطبیق رفتار آنها کفایت می‌کند و لذا شرط فوق حاصل است (ECHR, 2001: 11)

در خصوص این مسئله که آیا چنین اقداماتی در یک جامعه دموکراتیک ضروری بوده است یا خیر، دیوان بیان کرد که دول عضو کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، در خصوص مداخله در آزادی‌ها و حقوق شهروندان از حاشیه صلاحدید برخوردارند. اما می‌بایست این اختیار را تحت نظارت نظام اروپایی انجام دهند. بنابراین وظیفه دیوان این است که بررسی کند که آیا اعمال صورت‌گرفته در سطح ملی موجه و مشروع‌اند و آیا مرتبط و کافی به نظر می‌رسند یا خیر. به‌منظور تصمیم‌گیری در این مورد، دیوان باید نیاز به حمایت از حقوق و آزادی‌های افراد را در برابر رفتاری که شخص شاکی بدان متهم است، بسنجد. در این زمینه، دیوان مجدداً به استدلال‌های دولت فدرال اشاره کرد و در نهایت به این نتیجه رسید که حقیقتاً محدودیت‌های واردشده بر خانم داهلاب وی را در معرض یک انتخاب دشوار قرار داده است؛ اما به هر حال، معلمان مدارس دولتی موظف‌اند، پاره‌ای محدودیت‌ها را بر آزادی مذهبان بپذیرند (ECHR, 2001: 12).

دیوان با سنجیدن حق معلم به ابراز عقاید مذهبی از یک سو و نیاز به حمایت از حقوق شاگردان و حمایت از سازش مذهبی در مدرسه از سوی دیگر، به این نتیجه رسید که در پرونده حاضر مقامات دولت سوئیس از حاشیه ارزیابی خود فراتر نرفته و اقداماتی که انجام داده‌اند، منطبق با ماده ۹ کنوانسیون است. از این رو این بخش از شکایت شاکی (نقض آزادی ابراز عقاید مذهبی وی) از سوی دیوان، غیرقابل پذیرش اعلام شد (ECHR, 2001: 13). بدین ترتیب دیوان در این پرونده به آرای محاکم داخلی توجه زیادی کرد و حسب شرایط خاص شاکی (کارمند دولت بودن) برای دولت حاشیه ارزیابی قائل شد. دیوان در بررسی پرونده به اهداف محدودیت‌های یادشده توجه کرد و آن را مطابق ماده ۹ دانست. از سوی دیگر این اقدامات را در یک جامعه دموکراتیک ضروری دانست، از این رو شکایت خانم داهلاب را نپذیرفت.

۳.۳. ای. ای. اس علیه فرانسه^۱

در ۱۳ ژوئیه ۲۰۱۰، دولت فرانسه در امتداد قوانین تبعیض‌آمیز خود علیه زنان مسلمان و با نقض آشکار حق آزادی پوشش مذهبی آنان، قانون منع برقع یا حجاب کامل چهره را به تصویب رساند. فرانسه پوشش کامل صورت را خطری برای همزیستی مسالمت‌آمیز مردم در جامعه خواند و آن را به‌عنوان اولین کشور اروپایی

ممنوع کرد. این قانون هر نوع پوشش به قصد پنهان کردن چهره در فضای عمومی را جرم تعریف کرده و مجازات آن را ۱۵۰ یورو یا گذراندن اجباری یک «دوره شهروندی»^۱ تعیین کرد. تحت نظر هیأت نظارت بر سکولاریسم ملی در فرانسه که هیأتی مشورتی با وظیفه ارائه مشاوره به دولت در خصوص سکولاریسم است، بین آوریل ۲۰۱۱ یعنی زمانی که این قانون ممنوعیت در عمل پیاده شد و فوریه ۲۰۱۴، مقامات مسئول اجرای قانون ۵۹۴ زن را به دلیل استفاده از حجاب کامل صورت جریمه کردند.

دیوان اروپایی حقوق بشر نیز که پیش از آن سابقه اعمال محدودیت بر پوشش مذهبی را با تأیید ممنوعیت استفاده از روسری در مؤسسات آموزشی در سوئیس و ترکیه در رویه خود داشت، در سال ۲۰۱۴ برای اولین بار در پرونده «ای. ای. ای. اس در مقابل فرانسه» موضعی را مؤید بر منع استفاده از پوشش کامل چهره در اماکن عمومی اتخاذ کرد. این پرونده توسط «ای. ای. ای. اس»^۲، یک شهروند فرانسوی مسلمان به محضر دیوان اروپایی حقوق بشر برده شد. این شهروند که گاهی اوقات از نقاب استفاده می کرد، عنوان کرد که ممنوعیت پوشاندن چهره توسط دولت فرانسه حقوق آزادی مذهب، بیان و نیز حق زندگی خصوصی را از وی سلب کرده است. او همچنین مدعی شد که این ممنوعیت بر مبنای جنسیت، مذهب و قومیت تبعیض گرایانه است. اما دیوان، اگرچه استدلال دولت فرانسه را برای لزوم منع پوشاندن صورت جهت حفظ امنیت و حمایت از برابری زن و مرد مردود شمرد (ECHR, 2014: 118-122)، ولی با پذیرفتن توجیه این دولت که هدف از ممنوعیت پوشاندن چهره را حذف موانع تعامل میان افراد و به گونه ای نابخردانه «زندگی با یکدیگر»^۳ تعریف می کند، این ممنوعیت را تأیید کرد (ECHR, 2014: 139-142)، البته دو تن از قضات دیوان با دیدگاهی متفاوت استدلال مبتنی بر ممنوعیت پوشش کامل چهره را جهت نیل به هدفی مشروع نپذیرفتند و اظهار کردند که در هر صورت چنین ممنوعیتی از یک جامعه دموکراتیک بعید بوده و نیازی به آن نیست. آنان همچنین اذعان کردند که این تصمیم دیوان، حقوق و آزادی های اساسی افراد مندرج در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را فدا می کند (ECHR, 2014: 61-63).

دو روز پس از صدور این رأی توسط دیوان اروپایی، سازمان دیدبان حقوق بشر طی گزارشی اظهار کرد: «تصویب و تأیید قانون فرانسه برای منع استفاده از پوشش کامل برای صورت، حقوق زنان مسلمان را تضعیف می کند. این ممنوعیت با حقوق این زنان برای بیان آزادانه دین و عقایدشان و همچنین استقلال شخصی شان در تعارض است»^۴. همچنین متخصصان حقوق بین الملل بشر ممنوعیت استفاده از

1. Citizenship Course

۲. بنا به درخواست این زن فرانسوی از دیوان اروپایی حقوق بشر، نام او برای جلوگیری از افشای هویتش به اختصار «S.A.S.» بیان شد.

3. Living together

۴. سازمان دیدبان حقوق بشر (۳ جولای ۲۰۱۴)، فرانسه: حکم ممنوعیت استفاده از حجاب چهره حقوق بشر را تضعیف می

نقاب یا برقع در فرانسه را محکوم کرده‌اند. توماس هامبرگ^۱، عضو سابق کمیسیون حقوق بشر شورای اروپا، ممنوعیت استفاده از پوشش چهره را حمله نابخردانه به حریم خصوصی افراد می‌داند (Hammarberg, 2011: 39-43). مجمع پارلمان شورای اروپا نیز با چنین ممنوعیت‌هایی مخالفت کرده و از عوارض جانبی و تأثیرات آن بر زنان به صورت محدود شدن زندگی آنان به فضای منزل و یا طرد شدن از مؤسسات آموزشی و مکان‌های عمومی هشدار داده است. علاوه بر این، کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد نیز با صدور بیانیه‌ای در اکتبر ۲۰۱۸، از استدلال کشور فرانسه مبنی بر فراهم آوردن شرایط همزیستی مسالمت‌آمیز مردم در جامعه، به ممنوعیت پوشش کامل صورت انتقاد کرد. کمیته در این بیانیه از فرانسه خواسته است در ممنوعیت پوشش برقع در اماکن عمومی تجدیدنظر کند.

بیانیه مزبور یادآور می‌شود که منع پوشش کامل صورت زنان به مثابه نقض آشکار آزادی‌های فردی و مذهبی برای مسلمانان فرانسوی و فعالان حقوق بشر است؛ آزادی‌هایی که قانون اساسی فرانسه به صراحت بر ضرورت حفظ آنها تأکید می‌کند. در این بیانیه آمده است: «دولت نشان نداده است که چگونه حجاب کامل به خودی خود تهدیدی برای امنیت عمومی است تا این ممنوعیت مطلق را توجیه کند، همچنین دولت فرانسه هیچ توجیه یا توضیحی برای امنیت عمومی ارائه نکرده است که چرا پوشاندن صورت برای اهداف مذهبی خاص (نقاب) ممنوع است، درحالی که پوشاندن صورت برای اهداف متعدد دیگر، از جمله اهداف ورزشی، هنری و سایر اهداف سنتی و مذهبی، مجاز است» (HRC, 2018: 7.7).

علاوه بر مطالبی که گذشت، نکته‌ای که این روزها همزمان با همه‌گیری بیماری کووید-۱۹ به موضوعی داغ در کشور فرانسه تبدیل شده است، اجباری شدن پوشاندن صورت در محیط‌های عمومی است. مارکو پرولینی^۲، محقق منطقه‌ای اروپا در سازمان عفو بین‌الملل، در این باره می‌گوید: «آیا ماسک صورت که برای مبارزه با بیماری کووید-۱۹ استفاده می‌شود واقعاً با نقاب تفاوت دارد؟ تعریف حجاب کامل چهره به عنوان یک تهدید امنیتی یا در نظر گرفتن آن به عنوان نماد ظلم و ستم علیه زنان، با کلیشه‌های تبعیض‌آمیزی همچون اینکه زنان مسلمان به دلیل دین و جامعه خود مجبور به انتخاب حجاب می‌شوند، دیگر تکراری و نخ نما شده است. ممنوعیت پوشش حجاب خود یک محدودیت نامتناسب با حقوق اقلیت است، اقلیتی که موقعیتش در جامعه اغلب با دو مفهوم تبعیض و نژادپرستی عجین شده است. دولت‌ها و بخش‌های بزرگی از جامعه در بسیاری از کشورها، پوشش کامل چهره را به عنوان یک تهدید برای امنیت و همچنین نماد نابرابری جنسیتی تعریف کرده‌اند. بیماری همه‌گیر

کند، قابل دسترسی در:

<https://www.hrw.org/news/2014/07/03/france-face-veil-ruling-undermines-rights>

1. Thomas Hammarberg
2. Marco Perolini

کووید-۱۹ نشان داد که چگونه این تصورات می‌توانند دچار اختلال شوند. سیاستگذاران باید از این فرصت برای منسوخ کردن قوانینی که حجاب کامل صورت را ممنوع می‌کند، استفاده کنند.^۱

۳.۴. ال مورسلی علیه فرانسه^۲

در این پرونده قضیه از این قرار است که خواهان خانم فاطیما ال مورسلی که تبعه مراکش و همسر یک مرد فرانسوی بود، با توجه به اینکه گاهی لباس‌های مذهبی مانند برقع یا نقاب می‌پوشید که چهره‌اش را پنهان می‌کرد، به دلیل عدم برداشتن روسری خویش جهت احراز هویت توسط پرسنل مرد سرکنسولگری فرانسه در مراکش، از دریافت ویزای ورود به فرانسه محروم شده بود (ECHR, 2008: 3). شوهر خواهان به نمایندگی از همسرش به هیأت استیناف علیه امتناع از اعطای ویزای ورود به فرانسه به او اعتراض کرد. در ۲۵ ژوئن ۲۰۰۳، به شرح زیر اعتراض وی رد شد:

«براساس مفاد ماده ۵ فرمان ۲۰۰۰-۱۰۹۳ مورخ ۱۰ نوامبر ۲۰۰۰ مربوط به هیأت استیناف برای درخواست تجدیدنظر علیه تصمیمات مبنی بر امتناع ویزای ورود به فرانسه، با کمال تأسف به اطلاع شما می‌رسانم که هیئت درخواست تجدیدنظر شما در تاریخ ۱ ژوئیه را رد کرده است.»

درخواست تجدیدنظر به دلیل عدم رعایت مقررات جاری توسط متقاضی رد شد. شوهر خواهان درخواست تجدیدنظر جدیدی را از طرف همسرش به شورای فرانسه^۳ تسلیم کرد که در آن به ویژه بر حق همسرش برای احترام به زندگی خانوادگی و آزادی مذهبی تکیه کرد. در ۷ دسامبر ۲۰۰۵ شورای فرانسه نیز این درخواست تجدیدنظر را قبول نکرد (Council of Europe, 2008: 2).

استدلال خواهان این بود که او حاضر به برداشتن حجاب خویش بود، اما فقط در حضور یک زن این شرط را می‌پذیرفت. وی با استناد به ماده ۸ کنوانسیون ادعا کرد که حق احترام به زندگی خانوادگی خود نقض شده و به دلیل آنکه مقام کنسولی نتوانسته حق او در مورد ابراز عقاید مذهبی‌اش از طریق انتخاب لباس را تضمین کند، مورد تبعیض منع شده توسط ماده ۱۴ کنوانسیون قرار گرفته و حق بر آزادی مذهبی وی نیز براساس ماده ۹ کنوانسیون نقض شده است. دیوان اروپایی حقوق بشر در پاسخ به ادعای نقض ماده ۹، اذعان کرد که طبق رویه قضایی خود، استفاده از روسری را می‌توان «به انگیزه یا الهام گرفته از یک دین یا اعتقاد» در نظر گرفت. از نظر دیوان، درخواست برداشتن حجاب به منظور بررسی هویت بوده و از این رو در

۱. سازمان عفو بین‌الملل (۲۶ می ۲۰۲۰)، آیا ماسک صورت که برای مبارزه با بیماری کووید ۱۹ استفاده می‌شود واقعاً با نقاب تفاوت دارد؟، قابل دسترسی در:

<https://www.amnesty.org/en/latest/news/2020/05/face-masks-and-niqabs/>

2. El Morsli v. France.

3. Conseil d'Etat

قالب محدودیت مذکور در مفهوم بند ۲ ماده ۹ کنوانسیون قرار می‌گیرد؛ به این معنا که به یکی از اهداف مشروع مندرج در این بند، یعنی تضمین امنیت عمومی یا حفظ نظم عمومی، مربوط می‌شود. در واقع دیوان بیان می‌دارد که بررسی هویت افراد به‌عنوان بخشی از اقدامات امنیتی یک کنسولگری در خدمت هدف مشروع امنیت عمومی است؛ از این رو به این نتیجه می‌رسد که خواهان مورد نقض نامتناسب اعمال حق خود برای آزادی مذهب وفق ماده ۹ قرار نگرفته است. در مورد ادعای خواهان پیرامون نقض ماده ۸ کنوانسیون، دیوان بیان کرد در این پرونده از آنجا که متقاضی شرایط تعیین‌شده برای درخواست روادید را رعایت نکرده، بنابراین مقامات داخلی را قادر به ارزیابی دلایل وی براساس ماده ۸ کنوانسیون نساخته است و در نتیجه این دلیل باید به‌علت ناتمام ماندن طی راه‌حل‌های داخلی، طبق بندهای ۱ و ۴ ماده ۳۵ کنوانسیون رد شود. سرانجام، در خصوص ادعای خواهان مبنی بر نقض ماده ۱۴ کنوانسیون، دیوان متذکر شد که خواهان این دلایل را به‌صراحت و به‌صورت ماهوی نزد دادگاه‌های ملی مطرح نکرده است و لذا قادر به تصمیم‌گیری در این مورد نیست (Council of Europe, 2008: 3-4).

۵.۳. کورتولموش علیه ترکیه^۱

این پرونده مربوط به ممنوعیت استفاده از روسری اسلامی برای یک استاد دانشگاه در انجام وظایفش بود. خواهان اظهار کرد که ممنوعیت پوشیدن روسری هنگام تدریس، حق او را برای ابراز آزادانه مذهبش نقض کرده است. او به‌ویژه ادعا کرد که تصمیم جلسه انضباطی مبنی بر اینکه وی باید به‌دلیل استفاده از حجاب اسلامی استعفا دهد، نقض حقوق تضمین‌شده او از جمله در مواد ۸ (حق احترام به زندگی خصوصی)، ۹ (آزادی عقیده و مذهب) و ۱۰ (آزادی بیان) و ۱۴ (منع تبعیض) کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بوده است. در ۳۰ ژوئیه ۱۹۹۸ او درخواست داد تا حکمی مبنی بر لغو تصمیم ۲۷ مه به‌سبب ممانعت او از استفاده از پوشش اسلامی صادر شود. وی اظهار کرد که هیچ مبنای قانونی برای این اقدام وجود ندارد و قواعد رویه مربوطه رعایت نشده است. در ۲۷ آوریل ۱۹۹۹ یک جلسه استماع عمومی برگزار شد و در همان روز، دادگاه اداری استانبول پس از بررسی‌هایی درخواست متقاضی را به این دلیل رد کرد که شواهد موجود در پرونده تحقیقاتی نشان می‌داد که وی با وجود ارسال تذکرات متعدد، عمداً و پیگیرانه از رعایت مقررات مربوط به پوشش برای کارمندان دولتی امتناع کرده است. همچنین تأیید کرد که برخلاف اظهارات خواهان، این تصمیم مطابق با قوانین مربوطه اتخاذ شده است (ECHR, 2006: 1-2). در ۱۷ ژوئن ۱۹۹۹، خواهان از حکم ۲۷ آوریل ۱۹۹۹ درخواست تجدیدنظر داده و توضیح داد که اگرچه بند ۵ (الف) قانون پوشش اعضای زن کارمندان را از پوشیدن روسری هنگام انجام وظایف خود در مؤسسات

1. Kurtulmuş v. Turkey

آموزشی منع می‌کند، ولی مجازات مقرر در بند ۵ (ز) قوانین آیین دادرسی انضباطی برای نقض قوانین لباس تنها یک هشدار است و نه اخراج یا اجبار به استعفا. در نتیجه او استدلال کرد که تنها باید به مجازات اخطار یا توبیخ محکوم می‌شد و از این رو مجازاتی که برای او وضع شده، بی‌سبب سخت و ناسازگار با حقوق و آزادی‌های حفاظت‌شده توسط کنوانسیون اروپایی حقوق بشر است (ECHR, 2006: 3).

دادگاه این درخواست را غیرقابل قبول اعلام کرد؛ در جامعه دموکراتیک، اگر این عمل با هدف حمایت از حقوق و آزادی‌های دیگران در تضاد بود، دولت حق دارد پوشیدن روسری اسلامی را محدود کند. از نظر دادگاه این موضع دولت با هدف حفظ اصول سکولاریسم و بی‌طرفی خدمات کشوری و به‌ویژه آموزش دولتی اتخاذ شده است. علاوه بر این، دامنه چنین اقداماتی و ترتیبات اجرای آنها ناگزیر باید تا حدی به دولت مربوطه واگذار شود. پس از تأیید حکم دادگاه اداری توسط دادگاه تجدیدنظر، خواهان شکایت خویش را به دیوان اروپایی حقوق بشر برد (ECHR, 2006: 5).

دیوان نتیجه‌گیری کرد که در خصوص ادعای نقض حقوق خواهان برای احترام به زندگی خصوصی و حق آزادی بیان، هیچ‌گونه تخلفی از مفاد کنوانسیون نمی‌یابد؛ چراکه استدلال‌های متقاضی تحت این مفاد صرفاً بازنمای مجدد شکایت وی براساس ماده ۹ است، که در مورد آن دادگاه هیچ‌گونه تخلفی را احراز نکرده است. در مورد شکایت بر اساس ماده ۱۴ (منع تبعیض) کنوانسیون، که به‌تنهایی یا در ارتباط با ماده ۹ بررسی شده است، دیوان خاطر نشان می‌کند که قوانین مربوط به استفاده از حجاب اسلامی به وابستگی مذهبی یا جنسیت متقاضی ارتباطی ندارند، اما هدف مشروع حمایت از نظم عمومی و حقوق و آزادی‌های دیگران را دنبال می‌کنند. هدف آشکار قوانین حفظ سکولاریسم در نهادهای آموزشی و نتیجه آن، یعنی اصل بی‌طرفی خدمات عمومی است. علاوه بر این، اعضای مرد کارکنان نیز مشمول قوانین مشابهی‌اند که آنها را ملزم می‌کند تا اعتقادات مذهبی خود را به شیوه‌ای متظاهر ابراز نکنند. در نتیجه، ملاحظاتی که سبب شده است دیوان به این نتیجه برسد که نمی‌توان نقض ماده ۹ کنوانسیون را یافت، به‌طور یکسان در مورد شکایت طبق ماده ۱۴ نیز اعمال می‌شود (ECHR, 2006: 9).

۳.۶. کُسه و نوزده نفر دیگر علیه ترکیه^۱

این پرونده مربوط به ممنوعیت استفاده از روسری اسلامی در محدوده مدرسه برای دانش آموزان مدارس متوسطه دولتی مذهبی بود. متقاضیان با استناد به ماده ۹ کنوانسیون شکایت داشتند که ممنوعیت استفاده از حجاب اسلامی در مدارس مورد بحث، نقض غیرموجه حق آزادی مذهب و به‌ویژه حق آنها برای ابراز مذهب است. والدین دانش‌آموزان مدعی شدند که ممنوعیت استفاده از حجاب اسلامی در این مدارس،

1. Köse and 93 Others v. Turkey

حق تحصیل فرزندانشان را که در جمله اول ماده ۲ (حق تحصیل) پروتکل شماره ۱۲ کنوانسیون ذکر شده است، نقض می‌کند. ایشان همچنین اظهار کردند که این اقدامات حقوق والدین را مطابق جمله دوم ماده ۲ پروتکل شماره ۱ نیز نقض کرده است. آنها فرزندان خود را در مدارس مورد نظر ثبت نام کرده بودند با این اعتقاد که آموزشی مطابق با اعتقادات مذهبی خودشان دریافت خواهند کرد. اما اقداماتی که از فوریه ۲۰۰۲ به بعد اعمال شده بود، این حق را از آنها سلب کرده بود (ECHR, 2006: 2).

دادگاه این درخواست را غیرقابل قبول اعلام و اذعان کرد که لباس تحمیل شده بر دانش‌آموزان یک اقدام کلی است که برای همه دانش‌آموزان صرف‌نظر از اعتقادات مذهبی آنها قابل اجرا است. در نتیجه، حتی با فرض اینکه تداخلی در حق متقاضیان برای ابراز مذهبشان صورت گرفته باشد، هیچ تخلفی از ماده ۹ کنوانسیون دیده نمی‌شود. در خصوص شکایات متقاضیان براساس ماده ۲ پروتکل شماره ۱ کنوانسیون، دادگاه از یک سو دریافت که محدودیت مورد بحث بر اساس اصول روشن و متناسب با اهداف پیشگیری از بی‌نظمی و حفاظت از حقوق و آزادی‌های دیگران و حفظ بی‌طرفی تحصیلات متوسطه بوده و از سوی دیگر اینکه پوشش وضع شده در پرونده حاضر و اقدامات مربوطه ناقض حق مندرج در جمله دوم ماده ۲ نیست. پس از حاصل نشدن نتیجه در دادگاه تجدیدنظر، خواهان‌ها به دادگاه اروپایی حقوق بشر رجوع و اظهار کردند که حق دسترسی آنها به دادگاه برای اهداف ماده ۶ کنوانسیون با امتناع دادگاه‌های داخلی از اعطای اعلامیه‌ای مبنی بر اجرای ممنوعیت استفاده از حجاب اسلامی به آنها نقض شده است. با این حال، دادگاه هیچ ارتباطی بین این امتناع و موضوع دسترسی به دادگاه نیافت. خواهان‌ها می‌توانستند بدون دریافت اظهارنامه در مورد حقایق، درخواست بررسی قضایی را به دادگاه‌های اداری تسلیم کنند، اما آنها تصمیم گرفتند که این کار را با توجه به رویه قضایی ثابت در مورد موضوع انجام ندهند. نتیجه آنکه این شکایت آشکارا بی‌اساس بوده و باید طبق بندهای ۳ و ۴ ماده ۳۵ کنوانسیون رد شود (ECHR, 2006: 16-17).

در مورد شکایت براساس ماده ۷ کنوانسیون، دیوان خاطرنشان می‌کند که ماده مزبور متضمن این اصل است که فقط قانون می‌تواند جرم را تعریف کرده و مجازات تعیین کند. کاملاً واضح است که امتناع از دسترسی دانش‌آموزان به اماکن مدرسه طبق قوانین مدرسه را نمی‌توان مجازاتی ناشی از محکومیت کیفری در نظر گرفت. در نتیجه، بند ۱ ماده ۷ در مورد حاضر قابل اجرا نیست. نتیجه آنکه این بخش از دادخواست نیز باید طبق بند ۳ و ۴ ماده ۳۵ کنوانسیون رد شود (ECHR, 2006: 17).

۳.۷. دوغرو و کروانجی علیه فرانسه^۱

خواهان‌ها، هر دو مسلمان، در سال اول یک مدرسه متوسط I دولتی در سال ۹۸-۱۹۹۸ ثبت‌نام کردند. آنها بارها با روسری‌های خود در کلاس‌های تربیت بدنی شرکت کرده و علی‌رغم درخواست‌های مکرر معلم خود از برداشتن روسری خودداری کردند. کمیته انضباطی مدرسه تصمیم به اخراج آنها از مدرسه به دلیل عدم شرکت فعال در آن کلاس‌ها گرفت، تصمیمی که توسط دادگاه نیز تأیید شد. دادگاه اعلام کرد که در هر دو مورد نقض ماده ۹ کنوانسیون صورت نگرفته و به‌ویژه نتیجه‌گیری مقامات ملی مبنی بر این است که استفاده از حجاب مانند حجاب اسلامی به دلایلی همچون ایمنی و سلامت با کلاس‌های ورزشی ناسازگار است. این دادگاه پذیرفت که مجازات اعمال‌شده نتیجه امتناع متقاضیان از پیروی از قوانین قابل اجرا در محوطه مدرسه است که آنها به‌درستی از آن مطلع شده بودند و براساس اعتقادات مذهبی‌شان، آن‌گونه که ادعا می‌کردند، نیست (ECHR, 2009: 3; ECHR, 2008: 2-3).

در مورد دوغرو، دیوان اروپایی حقوق بشر بیان کرد که حق آموزش، در تئوری، توسل به اقدامات انضباطی، از جمله تعلیق موقت از یک مؤسسه را به‌منظور اطمینان از رعایت قوانین داخلی، منتفی نمی‌کند. اعمال مجازات‌های انضباطی بخشی جدایی‌ناپذیر از فرایندی است که طی آن یک مدرسه به‌دنبال دستیابی به هدفی است که برای آن تأسیس شده است، از جمله رشد و شکل‌گیری شخصیت و قوای ذهنی دانش‌آموزانش (ECHR, 2008: 21-22).

در مورد کروانجی نیز به نظر دیوان قانون مذکور در بند ۲ ماده ۹ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، به‌عنوان شرط لازم برای هرگونه محدودیت آزادی ابراز مذهب، نباید به معنای رسمی، یعنی متنی که توسط مجلس به تصویب رسیده است، درک شود. بنابراین، هر الزامی که ماهیت عمومی و غیرشخصی داشته باشد، تا زمانی که در دسترس باشد و به شهروندان اجازه دهد تا عواقب یک عمل خاص را به‌طور منطقی بدانند، می‌تواند به‌عنوان یک قانون زیر نظر کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در نظر گرفته شود. از نظر دیوان نیازهای امنیتی فردی یا جمعی اهدافی هستند که به‌طور مشروع می‌توانند محدودیت آزادی تجلی دین و در نتیجه انتخاب مقامات مدارس ملی مبنی بر ممنوعیت پوشیدن حجاب در ساعات تربیت بدنی برای سلامت و ایمنی را توجیه کنند. مراجع انضباطی در ارتباط مستقیم و مستمر با جامعه آموزشی، بهترین موقعیت را برای ارزیابی نیازها و شرایط محلی یا الزامات یک آموزش خاص دارند (ECHR, 2009: 17).

۳.۸. ابراهیمیان علیه فرانسه^۲

این پرونده مربوط به تصمیم عدم تمدید قرارداد استخدامی یک مددکار اجتماعی بیمارستان به دلیل امتناع

1. Dogru and Kervanci v. France.

2. Ebrahimian v. France

او از پوشیدن روسری بود. خواهان شکایت کرد که تصمیم برای تمدید نکردن قرارداد او به‌عنوان یک مددکار اجتماعی، حق آزادی ابراز مذهبش را نقض کرده است. دادگاه به این نتیجه رسید که هیچ نقضی از مواد کنوانسیون اروپایی حقوق بشر که مورد ادعای خواهان بوده است صورت نگرفته است و مقامات فرانسوی در یافتن اینکه هیچ امکانی برای مصالحه با متقاضی وجود ندارد از حدود صلاحیت خود فراتر نرفتند (ECHR, 2015: 2).

دادگاه به‌ویژه خاطر نشان کرد که پوشیدن حجاب توسط مقامات به‌عنوان تجلی خودنمایی دین تلقی شده است که با الزام بی‌طرفی مقامات دولتی در انجام وظایف خود ناسازگار است. به خواهان دستور داده شده بود که اصل سکولاریسم را در مفهوم ماده ۱ قانون اساسی فرانسه و شرط بی‌طرفی ناشی از آن اصل رعایت کند. طبق نظر دادگاه‌های ملی، حفظ خصلت سکولار دولت و در نتیجه محافظت از بیماران در بیمارستان در برابر هرگونه خطر نفوذ یا جانبداری به نام حق آنها برای آزادی وجدان ضروری بود. ضرورت حفظ حقوق و آزادی‌های دیگران - یعنی احترام به دین همگان - اساس تصمیم مورد بحث را تشکیل داده بود (ECHR, 2015: 7).

دیوان اروپایی حقوق بشر در مورد این پرونده نظر داد که دولت به‌عنوان یک سازمان‌دهنده بی‌طرف برای اعمال ادیان، فرقه‌ها و عقاید مختلف، صلح مذهبی و مدارا در یک جامعه دموکراتیک نقش اساسی ایفا می‌کند و در این خصوص نقش نهاد تصمیم‌گیری ملی به‌طور ویژه‌ای مهم است. همچنین اظهار کرد که هدف حمایت از حقوق و آزادی‌های دیگران، نظم عمومی و امنیت عمومی می‌تواند به‌طور مشروع محدودیت آزادی تجلی دین را که توسط ماده ۹ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر حمایت می‌شود، توجیه کند. به‌ویژه در مورد خدمات عمومی؛ بی‌طرفی خدمات عمومی برای تضمین آزادی‌های دیگران و حمایت از اصل سکولار بودن دولت ضروری است. از این‌رو چنانچه دینی را علیه کارمند دولتی، نماینده دولت و کارکنان خدمات عمومی تحمیل و بی‌طرفی مذهبی را هنگام انجام وظایف خود به او نقض کند، مداخله در عقاید او تلقی می‌شود. بنابراین مداخله و ممانعت در ابراز عقاید مذهبی کارمندان دولتی، هدفی مشروع را دنبال می‌کنند که در یک جامعه دموکراتیک ضروری است. در نتیجه، این مسئله ماده ۹ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را نقض نمی‌کند (ECHR, 2015: 19).

۹.۳. لاجیری علیه بلژیک^۱

این پرونده مربوط به محرومیت خواهان از مراجعه به دادگاه به دلیل امتناع او از برداشتن حجاب بود. او با شکایت خویش اذعان کرد که این موضوع آزادی او برای بیان دینش را تحت‌الشعاع قرار داده است (ECHR, 2018: 1).

1. Lachiri v. Belgium

دیوان در این خصوص بیان کرد که طرد خواهان به عنوان یک شهروند عادی غیردولتی از دادگاه، به منزله محدودیتی در اعمال حق او برای ابراز مذهبش بوده است که از نظر مقامات ملی با هدف مشروع حفاظت از نظم عمومی و جلوگیری از رفتاری که بی احترامی به قوه قضاییه و اختلال در برگزاری جلسه است، صورت پذیرفته است. با این حال، دیوان اظهار کرد که رفتار خواهان در هنگام ورود به دادگاه بی احترامی نبوده و تهدیدی برای برگزاری جلسه نبوده است. این اقدام برای حفظ نظم عمومی ضروری به نظر نمی رسد، زیرا خواهان هیچ گونه رفتار توهین آمیز یا تهدیدآمیز نسبت به دادگاه یا سایر افراد حاضر در دادگاه از خود نشان نداده بود. بنابراین، دیوان اعلام کرد که نیاز به محدودیت مورد بحث ثابت نشده و نقض حق آزادی خواهان برای ابراز مذهبش در یک جامعه دموکراتیک موجه نیست و در نتیجه نقض ماده ۹ (آزادی مذهب) کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را تأیید کرد (ECHR, 2018: 9).

به طور خلاصه، رأی دیوان در پرونده لاجیری قابل تقدیر است، به طوری که منع یک شخص خصوصی از پوشیدن لباس مذهبی در دادگاه نمی تواند با حفظ نظم عمومی توجیه شود و در نتیجه حق آزادی مذهبی را نقض می کند. با وجود این، حکم مزبور همچنان بر ویژگی های پرونده متمرکز است و برای روشن کردن این موضوع که تا چه حد و در چه شرایطی ممنوعیت لباس مذهبی ممکن است در شرایط دیگر با کنوانسیون سازگار تلقی شود، باید در دکتترین جست و جو شود.

۳. ۱۰. بلکامی و اوسار علیه بلژیک^۱

این پرونده مربوط به ممنوعیت پوشیدن لباسی خاص در ملا عام بود که به موجب قانون بلژیک در ۱ ژوئن ۲۰۱۱ تا حدی یا به طور کامل صورت را می پوشاند. هر دوی خواهان ها خود را مسلمانی معرفی کردند که به میل خود تصمیم به پوشیدن صورت با نقاب گرفته بودند (ECHR, 2017: 1).

در خصوص پرونده مزبور دیوان اعلام کرد که هیچ نقضی از مواد ۸ (حق احترام به زندگی خصوصی و خانوادگی)، ۹ (آزادی فکر، وجدان و مذهب) و ۱۴ (منع تبعیض) کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، که مورد ادعای خواهان ها بود، صورت نگرفته است. دیوان به ویژه دریافت که این محدودیت به دنبال تضمین شرایط «زندگی مشترک» و حمایت از حقوق و آزادی های دیگران بوده و در یک جامعه دموکراتیک ضروری جلوه می نماید. اولاً، مانند پرونده SAS علیه فرانسه (که در بخش های قبلی بررسی شده است)، دیوان بیان کرد که نگرانی برای اطمینان از رعایت حداقل تضمین های زندگی در جامعه می تواند به عنوان عنصری از حمایت از حقوق و آزادی های دیگران در نظر گرفته شود. این ممنوعیت اصولاً توجیه پذیر است؛ البته تنها تا حدی که به دنبال تضمین شرایط «زندگی مشترک» بوده باشد. در این زمینه، دیوان

1. Belcaceci and Oussar v. Belgium

توضیح داد که مقامات دولتی از طریق تماس مستقیم و مداوم خود با ذی‌نفعان در کشورشان، اصولاً در موقعیت بهتری نسبت به دادگاه بین‌المللی برای ارزیابی نیازها و زمینه‌های محلی قرار دارند. بنابراین، دولت بلژیک در اتخاذ مقررات مورد بحث، در پی پاسخگویی به رویه‌ای بود که در جامعه بلژیک با ارتباطات اجتماعی و به‌طور کلی برقراری روابط انسانی که برای زندگی در جامعه ضروری بود، ناسازگار می‌دانست. از این رو پاسخ به این پرسش که آیا حجاب تمام صورت باید در حوزه عمومی بلژیک پذیرفته شود یا خیر، به انتخاب خود جامعه است؛ ثانیاً، با توجه به تناسب محدودیت‌ها، دیوان خاطرنشان کرد که مجازات برای عدم رعایت این ممنوعیت‌ها طبق قوانین بلژیک می‌تواند از جریمه نقدی تا مجازات زندان متغیر باشد (ECHR, 2017: 17).

از نظر دیوان، ممنوعیت پوشش مذهبی مسلمانان ممکن است منجر به ایجاد خطر و تحکیم کلیشه‌هایی که بر دسته‌های خاصی از جمعیت تأثیر می‌گذارد و تشویق به ابراز عدم تحمل منجر شود. با این حال، در وضع چنین مقرراتی، دولت به دنبال رسیدگی به رویه‌ای است که در جامعه خود با قواعد اساسی ارتباطات اجتماعی و به‌طور گسترده‌تر برقراری روابط انسانی که برای «زندگی مشترک» ضروری است، ناسازگار می‌داند. بر این اساس در ژوئیه ۲۰۱۷، دیوان اروپایی حقوق بشر حکم داد که ممنوعیت‌های سراسری و محلی پوشش صورت در ملاً عام («ممنوعیت برقع») در بلژیک ناقض حقوق مورد حمایت کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیست (ECHR, 2017: 20).

۴. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با اشاره به اسناد بین‌المللی مختلف به تبیین جایگاه آزادی پوشش مذهبی در نظام حقوق بین‌الملل پرداخته و آرای دیوان اروپایی حقوق بشر در این زمینه، از جمله آرای لیلا شاهین، داهلاب، پرونده اس ای اس، ال مورسلی، کورتولموش، کوّسه، دوغرو و کروانجی، ابراهیمیان، لاپیری، بلکاکمی و اوسار را ارزیابی کرد. یافته‌های مقاله حاکی از آن است که حجاب و پوشش اسلامی برای زنان مسلمان بدون شک از باورهای دینی محسوب شده و التزام به آن جزء فرایض دینی هر زن مسلمان است؛ از این رو تصمیم دولت‌های اروپایی در مقوله حجاب زنان مسلمان ساکن در آن سرزمین‌ها در قالب ممنوعیت یا هرگونه محدودیت ناظر بر حجاب به‌وضوح با مقررات اسناد بین‌المللی و حقوق بشری از جمله بند «الف» ماده ۵۵ منشور ملل متحد؛ ماده ۱۸، بند ۱ ماده ۱۹ و ماده ۲۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی؛ مواد ۲ و ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر و همچنین با کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و حتی قوانین اساسی خود این کشورها در تهاافت و تضاد است که این اقدامات به‌نوعی ضعف این دولت‌ها در اجرا و پایبندی به مقررات بین‌المللی بوده و علی‌رغم داعیه پرچمداری آنان بر رعایت دموکراسی و حقوق بشر به‌ویژه حقوق

زنان؛ این امر نقض فاحش حقوق بشری و حقوق شهروندی زنان ناظر بر حق متفاوت بودن است. مواضع دولت‌های مزبور در قبال مسئله حجاب و پوشش مذهبی بعضاً حتی مورد نقد متخصصان و نهادهای حقوق بشری در عرصه بین‌الملل نیز واقع شده است؛ به‌ویژه در مورد قوانین و رویکردهای اتخاذشده توسط دولت فرانسه. دیوان اروپایی حقوق بشر نیز که رسالت حفظ و توسعه حقوق بشر را بر عهده دارد، در آرای خود مکرراً حقوق بشری و شهروندی زنان مسلمان را به‌طور فاحشی نادیده گرفته است. دیوان تاکنون در هیچ کدام از پرونده‌های مطرح در زمینه حجاب و پوشش مذهبی، توجیه قانع‌کننده‌ای در خصوص خطر حجاب اسلامی برای امنیت، نظم، بهداشت و اخلاق عمومی جامعه یا مغایرت آن با حقوق و آزادی‌های اساسی سایر افراد جامعه ارائه نکرده و تنها بهانه‌اش برای دفاع از منع پوشش اسلامی در اماکن عمومی «حاشیة صلاحدید ملی» بوده است. دیوان در همه پرونده‌ها به این نکته اکتفا می‌کند که حجاب در یک حکم قرآنی بر زنان تحمیل شده است. حال آنکه با بررسی پرونده‌های مطروح در این نهاد، واضح گشت که بانوان در کشورهایی که حجاب اجباری نیست، به انتخاب خود و به‌طور کاملاً آگاهانه و بدون تحمیل و اجبار، این حکم قرآنی را برگزیده‌اند. از سوی دیگر تأکید اسلام بر مسئله حجاب به‌دلیل بهینه‌سازی روابط اجتماعی بین زن و مرد و در راستای ارزش‌های انسانی فارغ از جنسیت‌گرایی است.

در پرتو یافته‌های مقاله، شایسته است که مروری بر پرسش اصلی مقاله حاضر و پاسخ به آن صورت گیرد. پرسش اساسی در این مقاله از این قرار بود که آیا مخالفت با پوشش مذهبی و حجاب بانوان در کشورهای اروپایی مغایر با حقوق بین‌الملل و حقوق بشر است یا خیر؟ فرضیة مقاله پیش‌رو در پاسخ به این پرسش، حکایت از آن داشت که ممنوع دانستن پوشش مذهبی نقض حقوق بشر افراد و آزادی دینی آنان است و این ممنوعیت بیش از آنکه بر مبانی حقوقی محکمی استوار باشد؛ ریشه در فشارهای سیاسی و اجتماعی دارد. در تطبیق با یافته‌های مقاله پیش‌رو، این فرضیه را می‌توان تأیید و اضافه کرد که ایجاد ممنوعیت یا هرگونه محدودیت در مقوله پوشش مذهبی و حجاب برای زنان مسلمان در قلمرو کشورهای غربی با اسناد بین‌المللی و حقوق بشری مختلف نیز مغایرت دارد. ضمن آنکه منع پوشش اسلامی در کشورهای اروپایی مدعی حقوق بشر، نه تنها حق آزادی دینی و حقوق اقلیتی دختران و زنان مسلمان را نادیده می‌گیرد، بلکه حق آموزش و تحصیل، حق کار و حقوق ناشی از عدم هرگونه تبعیض بر پایه مذهب را پایمال خواهد کرد.

منابع

۱. فارسی

الف) کتابها

۱. استوارت میل، جان (۱۳۹۵). رساله درباره آزادی، ترجمه دکتر جواد شیخ الاسلامی. چ ششم، تهران: علمی و فرهنگی.
۲. رهایی، سعید (۱۳۹۳). آزادی دینی از منظر حقوق بین الملل با نگاهی به ره یافت اسلامی. چ دوم، قم: دانشگاه مفید.

ب) مقالات

۳. شمسی، احمد رضا (۱۳۹۰). «تعهدات بین المللی اروپا در خصوص آزادی حجاب»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و پنجم، ش ۱، بهار، ص ۱۷۰-۱۴۷.

۲. انگلیسی

A) Books

1. Hammarberg, Thomas (2011), *Human rights in Europe: no grounds for complacency*, 1st Edition, Council of Europe Publications, Strasbourg.

B) Articles

2. Barnett, Laura (2004), "Freedom of Religion and Religious Symbols in the Public Sphere", France, Law and government division, Library of Parliament, pp. 1-24.
3. Rorive, Isabelle (2009), "Religious Symbols in The Public Space: In Search of a European Answer", *Cardozo Law Review*, Vol. 30:6, pp. 2669-2698.

C) Documents

4. Charter of the United Nations, 1945.
5. European Convention on Human Rights (ECHR) (formally the Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms), 1950, Council of Europe.
6. International Covenant on Civil and Political Rights, 1966, United Nations General Assembly.
7. Universal Declaration of Human Rights, 1948, United Nations General Assembly.

D) Cases

8. ECHR, Abdulaziz, Cabales and Balkandali v. United Kingdom (Application Nos. 9214/80; 9473/81; 9474/81) Judgment of 28 May, 1985.
9. ECHR, Belcacemi and Oussar v. Belgium (Application No. 37798/13), Judgment of 18 July, 2017.
10. ECHR, Buckley v. the United Kingdom (Application No. 20348/92) Judgment of 25 September, 1996.
11. ECHR, Dahlab v. Switzerland, (Application No. 42393/98), Judgment of 15 February, 2001.
12. ECHR, Dogru v. France (Application No. 27058/05), Judgment of 4 December, 2008.

13. ECHR, *Ebrahimian v. France* (Application No. 64846/11), Judgment of 26 November, 2015.
14. ECHR, *El Morsli v. France* (Application No. 15585/06), Judgment of 4 March, 2008.
15. ECHR, *Handyside v. the United Kingdom*, Application No. 5493/72, Judgment of 7 December, 1976.
16. ECHR, *Hatton and Others v. the United Kingdom [GC]* (Application No, 36022/97), Judgment of 8 July, 2003.
17. ECHR, *Kervanci v. France* (Application No. 31645/04), Judgment of 4 March, 2009.
18. ECHR, *Kokkinakis v. Greece* (Application No. 14307/88), Judgment of 25 May, 1993.
19. ECHR, *Köse and 93 Others v. Turkey* (Application No. 26625/02), Judgment of 24 January, 2006.
20. ECHR, *Kurtuluş v. Turkey* (Application No. 65500/01), Judgment of 1 January, 2006.
21. ECHR, *Lachiri v. Belgium* (Application No. 3413/09), Judgment of 18 September, 2018.
22. ECHR, *Leyla Şahin v. Turkey*, (Application No. 44774/98), Judgment of 29 June, 2004.
23. ECHR, *Leyla Şahin v. Turkey [GC]* (Application No. 44774/98), Judgment of 10 November, 2005.
24. *Manoussakis and Others v. Greece*, (Application No. 1874891), Judgment of 26 September, 1996.
25. ECHR, *Refah Partisi (the Welfare Party) and Others v. Turkey [GC]* (Application Nos. 41340/98, 4134298 and 41344/98), Judgment of 13 February, 2003.
26. ECHR, *S.A.S. v. France* (Application No. 15585/06), Judgment of 1 July, 2008.
27. ECHR, *S.A.S. v. France* (Application No. 43835/11), Judgment of 1 July, 2014.
28. HRC, *Hebbadj v. France* (Communication No. 2807/2016), Decision of 17 July, 2018.

E) Sites

29. <https://www.amnesty.org/en/latest/news/2020/05/face-masks-and-niqabs/>
 30. <https://www.hrw.org/news/2014/07/03/france-face-veil-ruling-undermines-rights>
 31. <http://www2.ohchr.org/english/issues/religion/standards.htm#I3>
- Council of Europe, COUR EUROPÉENNE DES DROITS DE L'HOMME EUROPEAN COURT OF HUMAN RIGHTS, *Fatima El Morsl*, 2008, Available at: www.legislationline.org/download/id/4592/file/ECHR_case_EL%20MORSLI%20v.%20FRANCE_2008_en.pdf